



Examination of Cultural Factors Influencing the Formation of the Character of Demon in Azerbaijani Folklore based on Cultural Anthropological Studies

Zahra Hosseiniiazam¹, Hossein Ardalani^{*2}

Received: 26/11/2024

Accepted: 05/05/2025

Abstract

In the myths of Azerbaijan, demons are sometimes the manifestation of evil and evil and oppression that are powerful physically and prevail over Man, and sometimes in some situations, Man defeats them either in terms of physical strength or in terms of intelligence and intelligence. The present study examines this change and transformation from the perspective of cultural anthropology, and the main question of the study is what cultural phenomena Dev in Azerbaijani myths explains from anthropological perspectives and what cultural requirements it was based on. This research, using a descriptive-analytical method based on the examination of the main characteristics and roles of demons in Azerbaijani written folktales, and employing a library-based data collection method, aims to understand and analyze the culture of Azerbaijani people. The

* Corresponding Author's E-mail:
h.ardalani@iauh.ac.ir

1. Ph.D. Candidate, faculty of Arts, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<http://www.orcid.org.0009-0007-8283-1404>

2. Associate Professor, Department of Philosophy of Art, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

<http://www.orcid.org.0000-0002-4390-3862>



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY- NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



findings suggest that elements such as the culture of forced marriage, male-dominated culture, culture of combat and heroism, vigilance against enemies and avoiding deception, culture of fatalism, the value of pure love, and cultural development with regard to the intellectual and visionary growth of the people over time have influenced the nature of demons in their folklore. According to functionalist perspectives in anthropology, these cultural aspects illustrate the conditions and temperaments of the people of that society and clarify their cultural identity.

Keywords: Cultural, Cultural anthropology, Demon, Functionalism, Legends of Azerbaijan, Malinovsky.

Research Background

The demon (div) character in Iranian folklore has been a subject of extensive study, primarily through mythological and religious perspectives. Ebrahimi (2013) investigated the demon's conceptual evolution, tracing its development in Avestan texts and oral literature, and identifying its equivalents across various cultural contexts. Salimpour (2016) explored the demon's role in ancient Iranian culture and its depiction in miniature art, emphasizing its malevolent attributes before and after the advent of Islam. Gorji and Pourkalhor (2013) adopted an anthropological approach to examine popular culture, analyzing folkloric elements such as tales, proverbs, and rituals to uncover cultural identities. Despite these contributions, no research has specifically focused on the anthropological analysis of the demon character in Azerbaijani folklore. This study addresses this gap by examining written Azerbaijani folklore through the lens of Bronisław Malinowski's functionalist theory, which posits that cultural elements emerge to fulfill societal needs. By analyzing the demon's role, this research seeks to uncover the cultural factors that



have shaped its portrayal, offering new insights into the cultural identity and historical dynamics of Azerbaijani society.

Goals, questions, and assumptions

The primary goal of this study is to identify and analyze the cultural factors that influence the formation of the demon character in Azerbaijani written folklore from a cultural anthropological perspective. The research addresses the following questions:

1. What cultural phenomena does the demon represent in Azerbaijani folklore?
2. What cultural conditions have contributed to the formation of this character?
3. How are cultural functions, such as biological, instrumental, and integrative needs, reflected in the demon's portrayal within these tales?

The demon character reflects cultural elements including forced marriage, patriarchy, combat and heroism, vigilance against enemies, fatalism, the value of pure love, and cultural development. These cultural factors, in line with Malinowski's functionalist theory, address biological, instrumental, and integrative societal needs, shaping the demon's role in folklore.

Conclusion

This study demonstrates that the demon in Azerbaijani folklore encapsulates cultural dimensions such as forced marriage, patriarchy, combat and heroism, vigilance, resistance to deception, fatalism, pure love, and cultural development. Grounded in Malinowski's functionalist theory, these elements address biological, instrumental, and integrative societal needs, illuminating the cultural identity of Azerbaijani people. The demon's evolving role—from a powerful, fearsome entity to one often outsmarted by human ingenuity—mirrors



the region's intellectual and social growth. This analysis highlights the dynamic interplay between folklore and societal values, showing how cultural narratives reflect and reinforce the historical and social transformations of Azerbaijani society.

References

- Bates, D., & Plug, F. (2013). *Cultural anthropology* (translated by M. Trialli). Elmi Publications.
- Behrangi, S., & Dehghani, B. (1987). *The Legends of Azerbaijan*. the Nile.
- Ebrahimi, M. (2013). The study of the evolution of the concept of Dev in social history and oral literature. *Journal of Culture and Popular Literature*, 1(1), 53-82.
- Fakuhi, N. (2012). *The foundations of Anthropology*. Nei.
- Gurgi, M., & Purkalhur, O. (2013). An anthropological look at popular language and culture. *Chronology of Cultural Studies and Communication*, 30(1), 177-197.
- Kuhi, J. (2013). *The Legends of Diyar Haiderbaba*. Akhtar.
- Kuhi, J. (2022). *Mythological symbols of Iranian myths*. Akhtar.
- Malinovsky B. (2016). *The scientific theory of culture* (translated by M. Farhamed). Office of Cultural Research.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۱۳، شماره ۶۴، مهر و آبان ۱۴۰۴
مقاله پژوهشی

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شخصیت دیو در افسانه‌های آذربایجان براساس مطالعات انسان‌شناسی فرهنگی

زهرا حسینی‌اعظم^۱، حسین اردلانی^{۲*}

(دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵)

چکیده

دیوها در افسانه‌های آذربایجان، گاه مظهر شر و بدی و ستمکاری هستند که از لحاظ بدنی قدرتمندند و بر انسان پیروز و غالب‌اند و گاه در برخی موقعیت‌ها، انسان یا به‌لحاظ توان و نیروی بدنی یا به‌لحاظ ذکاوت و هوش آن‌ها را مغلوب می‌کند. پژوهش حاضر این تغییر و تحول را از منظر انسان‌شناسی فرهنگی بررسی می‌کند و سؤال اصلی پژوهش این است که دیو در افسانه‌های آذربایجان از نظرگاه‌های انسان‌شناسی توضیح‌دهنده چه پدیده‌های فرهنگی است و براساس کدام مقتضیات فرهنگی به‌وجود آمده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر بررسی شخصیت دیو در افسانه‌های مکتوب آذربایجان با روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای به شناخت و تحلیل فرهنگ مردم آذربایجان پرداخته و به نتایجی از این دست رسیده است که براساس نظرگاه‌های کارکردگرایی مالینوفسکی، فرهنگ ازدواج اجباری،

۱. دانشجوی دکتری، پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
<http://www.orcid.org/0009-0007-8283-1404>

۲. دانشیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

*h.ardalani@iauh.ac.ir
<http://www.orcid.org/0000-0002-4390-3862>

فرهنگ مردسالاری، فرهنگ رزم و حماسه و هوشیاری در برابر دشمن و دفع فریب خوردگی، فرهنگ تقدیرگرایی، فرهنگ ارزشمندی عشق پاک و نیز توسعه‌یافتگی فرهنگی با عنایت به رشد فکری و بینشی مردم طی دوران، در شکل‌گیری شخصیت دیو در افسانه‌هایشان تأثیرگذار بوده و این وجوه فرهنگی بیانگر احوال و خلیقات مردم آن جامعه و روشنگر هویت فرهنگی‌شان است.

واژه‌های کلیدی: افسانه‌های آذربایجان، انسان‌شناسی فرهنگی، دیو، فرهنگ، کارکردگرایی، مالدینوفسکی.

۱. مقدمه

افسانه‌های شفاهی و مکتوب آذربایجان، پشتوانه و بازمانده فرهنگی مردمان پیشین هستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند و از جهت گوناگونی موضوع، بازتاب‌دهنده درخور و شایسته‌ای برای ابعاد مختلف فرهنگی این مردمان هستند. حضور دیو در افسانه‌های آذربایجان بسیار قابل ملاحظه است. دیوها دارای دو خاستگاه مهم اسطوره‌ای باستانی و دینی هستند.

این چنین بود که ایرانیان تا زمان پذیرفتن اسلام که بعد از آن دیو بنا به پیروی از بینش‌های جدید دینی جای خود را به شیطان سپرد نخست ارواح خبیثه کلیه پدیده‌های طبیعت پیرامون خویش و عوامل ماورای طبیعی، آداب و رسوم و رفتارهای زشت، مریضی‌ها و دیگر عناصر و واکنش‌های پلید و شیطانی موجود در زندگی اجتماعی را در رابطه با دیو دانسته و حتی بعدها دشمنان شخصی و جمعی خودشان را نیز به‌خاطر بدنام نمودن دیو خطاب کردند (کوهی، ۱۴۰۱، ص. ۹۶). در فرهنگ عامه مردم ایران، دیو موجودی است شاخدار یا بالدار با بدنی پشمالو، پوزه‌ای زشت، دمی دراز و دست و پای چنگال‌دار که ته چاه یا در بیابان‌ها و

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

صحراها زندگی می‌کند. کار و رفتارش معکوس است و زندگی‌اش با جادو و جنبل ارتباطی تنگاتنگ دارد. آنان سنگدل‌اند و قاتل، اما گاهی میانشان دیوهایی پیدا می‌شوند که می‌توان فریشان داد و دلشان را به رحم آورد. شیشه‌ عمری دارند که اگر یافت و شکسته شود آنان دود می‌شوند و به هوا می‌روند (صابونچی، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۲).

درواقع دیوها موجوداتی افسانه‌ای و اسطوره‌ای هستند که در طول تاریخ ماهیت آن‌ها بسیار اوج و نزول داشته است. «شخصیت دیو که اغلب موجودی است مذکر به آن صورت که در قصه‌ها می‌آید چندین جنبه دارد. در عقیده عامه دیو دارای خصایل موجودات متعددی است که با هم فرق دارند و از یکدیگر مستقل‌اند» (مارزلف، ۱۳۷۶، ص. ۴۶). گرچه دیو در سایر افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی نیز حضور دارد و گاه بر بلندای قدرت موجودی ترسناک و نابودگر و گاه سقوط کرده و موجودی ضعیف‌تر از انسان است، اما با توجه به اینکه محدوده پژوهش حاضر افسانه‌های آذربایجان است، تلاش می‌شود با بررسی شخصیت دیو در این افسانه‌ها، تأثیرات فرهنگی مردم آذربایجان که باعث شکل‌گیری آن تصویر از دیوها شده است، بررسی و تحلیل شود.

انسان‌شناسی به‌عنوان یک علم به جست‌وجوی روابط متقابلی می‌پردازد که بین انسان و محیط اطراف او و فرهنگ وجود دارد. افسانه‌ها نیز در مقام یکی از عناصر فرهنگی قابلیت مطالعه از نظرگاه‌های انسان‌شناسی را دارا هستند که با این ابزار مطالعاتی می‌توان به بسیاری از ویژگی‌های قومی دست یافت. یکی از نظریات انسان‌شناسی فرهنگی، کارکردگرایی است. نگاه کارکردگرایانه به فرهنگ برای آگاهی از نیازهایی است که فرهنگ برای پاسخ‌گویی به آن‌ها ساخته شده است. «بنیان کارکردگرایی فرهنگی بر این واقعیت استوار است که کلیه سنن، مناسبات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دوام و بقایشان به کارکرد و وظیفه‌ای بستگی دارد که در نظام

اجتماعی یعنی کل جامعه بر عهده دارند» (قرائی مقدم، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۰). کارکردگرایی اساساً می‌کوشد تا هر نهادِ مشخصِ اجتماعی و فرهنگی را در قالب پیامدهایی تبیین کند که برای جامعه، به مثابه یک کل دارد. با این اوصاف با مطالعه انسان‌شناسی فرهنگی شخصیت دیو در افسانه‌های آذربایجان می‌توان به شناخت فرهنگی بهتر مردم این اقلیم دست یافت و تحلیل کرد که شخصیت دیو بازتاب‌دهنده چه ابعاد فرهنگی از مردم این منطقه است و چه عوامل فرهنگی در شکل‌گیری شخصیت دیو تأثرگذار بوده است. این امکان هست که این عوامل فرهنگی با سایر مناطق ایران شباهت و تفاوت داشته باشد که می‌تواند موضوع پژوهش مستقل دیگری باشد.

۲. پیشینه پژوهش

انجام پژوهش در حوزه افسانه‌هایی که شخصیت دیو در آن‌ها برجسته و محوری است به‌طور قابل توجه و درخوری صورت گرفته و ماحصل و دستاورد این پژوهش‌ها که جزء پژوهش‌های اسطوره‌شناسی و دین‌پژوهی هستند، بیانگر بخشی از باورها و اندیشه و اعتقادات و بینش جوامع بوده است. اما از آنجایی که پژوهش حاضر به بررسی شخصیت دیو در فرهنگ شفاهی آذربایجان، از منظر انسان‌شناسی فرهنگی تأکید دارد پیشینه‌یابی بر این اساس انجام می‌گیرد و از آوردن پژوهش‌های بررسی شخصیت دیو در حماسه یا ادب رسمی خودداری می‌شود.

از نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به پژوهش حاضر مقاله ابراهیمی (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی» است که در این پژوهش عوامل تغییر و تحول مفهوم دیو در ایران بررسی و همسان‌های دیو شناسایی و معرفی شده‌اند که این بررسی با محوریت مطالعه متون اوستا، شاهنامه، کوش‌نامه،

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

گرشاسب‌نامه، مینوی خرد، عجایب‌نامه‌ها و تفسیر طبری، صورت گرفته است. در پژوهش حاضر نیز مراد نگارندگان واکاوی تغییر و تحول مفهوم و شخصیت دیو در افسانه‌های آذربایجان مشخصاً بر اثر عوامل فرهنگی است.

همچنین سلیمی‌پور (۱۳۹۵) در پایان‌نامه «بررسی سیر تحول نقش دیو در فرهنگ ایران باستان و هنر نگارگری ایرانی» به چگونگی سیر ویژگی‌های نقش دیو در قبل و بعد از اسلام می‌پردازد و وجه اهریمنی دیوان را در پیش از اسلام و به‌عنوان دستیاران اهریمن در برابر اهورامزدا که به تباهی و ویرانی مشغول‌اند معرفی می‌کند و دیوها را با چهره‌های حیوانی و شاخ و دم و عریان و سلاح‌های بدوی نشان‌دهنده برتری آفرینش‌های ایزدی در برابر آفرینش‌های اهریمنی دانسته است. پژوهش حاضر نیز سیر تحول شخصیت دیو را در فرهنگ آذربایجان با مطالعه موردی افسانه‌های این منطقه و براساس نظریه انسان‌شناسی فرهنگی انجام می‌دهد.

گرچی و پورکلهر (۱۳۹۲) در مقاله «نگاهی انسان‌شناسی به زبان و فرهنگ عامه» به بررسی انسان‌شناسی برای شناخت فرهنگ و فرایند درون فرهنگی، توده مردم، دانش عامه مردم همان فولکلورها، آداب و رسوم و باورهای ایشان پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که با مطالعات مردم‌شناسی در زمینه فرهنگ عام در ایران براساس امثال و حکم، جشن‌های مذهبی و ملی، ترانه‌های عامیانه، لالایی‌ها، افسانه‌ها، چیستان‌ها، بازی‌های محلی و رقص و موسیقی می‌توان به ساختار اجتماعی و هویت فرهنگی ایشان پی برد. در پژوهش حاضر نیز مطالعه انسان‌شناسی فرهنگی آن دسته از افسانه‌های آذربایجان که در آن شخصیت دیو حضور دارد وسیله‌ای برای شناخت پدیده‌های فرهنگی خواهد بود که در شکل‌گیری شخصیت دیو تأثیرگذار بوده‌اند.

مطالعه افسانه‌های آذربایجان به سبب تنوع موضوعی و پیشینه تاریخی برای دستیابی به خصوصیات ملی و فرهنگی و جهان‌بینی این مردمان بسیار صورت گرفته است. ولی پژوهش حاضر با تکیه بر نظریات انسان‌شناسی و روش‌های مطالعه فرهنگی آن به بررسی اختصاصی و ویژه دسته‌ای از پدیده‌های فرهنگی که در شکل‌گیری شخصیت دیو در افسانه‌های مکتوب آذربایجان تأثیرگذار بوده‌اند، می‌پردازد که از این منظر در هیچ پژوهشی صورت نگرفته است.

۳. چارچوب نظری

علم مردم‌شناسی بر شناخت انسان از طریق تحلیل الگوهای جسمانی و فرهنگی مختلف تأکید دارد. این رویکرد با پیشرفت‌های علمی و کاوش‌های انسان‌شناسان گسترش یافته و در نهایت به پیدایش شاخه‌ای مستقل به نام انسان‌شناسی فرهنگی انجامیده است. «تاریخ انسان‌شناسی عبارت است از تاریخ نظراتی پیرامون مبادی رشد و طبیعت جسمانی و فرهنگ بشر» (بروس، ۱۳۷۳، ص. ۹). خلیقی انسان‌شناسی را از ریشه یونانی به معنای شناخت انسان می‌داند که در آثار ارسطو نیز با همین معنا به کار رفته است (خلیقی، ۱۳۵۶، ص. ۸). «هدف انسان‌شناسی توصیف و تبیین یک پدیده خاص است که همان انسان هوشمند یا نوع بشر است. بیشتر آنچه را که انسان‌شناسان در پژوهش‌های نوع بشر مورد بررسی قرار می‌دهند، به فرهنگ راجع است. فرهنگ به تعبیر گسترده آن عبارت از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد» (بیتس و پلاگ، ۱۳۹۲، ص. ۲۷).

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

در صد سالی که از تاریخ پیدایش رشته انسان‌شناسی فرهنگی می‌گذرد، انواع نظریه‌ها ساخته و پرداخته شده است. تمام این نظریات به تحول و تنوع فرهنگی توجه دارند. «فرهنگ، یک کل تفکیک‌ناپذیر است که عناصر آن به یکدیگر وابستگی متقابل دارند» (فکوهی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۱). یکی از نظریات انسان‌شناسی فرهنگی، کارکردگرایی است. «محوری‌ترین مفهوم در نظریه کارکردگرایی واژه کارکرد است که به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌نماید» (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص. ۶۷۹). نگاه کارکردگرایانه به فرهنگ برای آگاهی از نیازهایی است که فرهنگ برای پاسخ‌گویی به آن‌ها ساخته شده است. «سه مفهوم به پیدایش کارکردگرایی یاری رساندند: نخست مفهوم سودمندی یا این پرسش که چه چیز به چه مصرفی می‌آید؟ دوم مفهوم علیت یا این پرسش که به چه دلایل و نتایجی می‌رسیم؟ و سوم مفهوم نظام یا این پرسش که چگونه وابستگی متقابل میان عناصر در یک مجموعه منسجم و متوازن عمل می‌کند؟» (ریویر، ۱۳۹۷، ص. ۷۵).

تحلیل کارکردی به ما امکان می‌دهد فرهنگ را جامع‌تر بررسی کنیم. مالینوفسکی نظریه کارکردگرایی خود را مفصلاً شرح می‌دهد و می‌گوید هر یک از اجزای فرهنگ یک خاصیت و فایده‌ای دارد و گرنه وجود نمی‌داشت. خاصیت آن این است که به نیازهای فردی و جمعی افراد پاسخ می‌دهد. علاوه بر این او نشان می‌دهد که اجزای فرهنگ به یکدیگر وابسته‌اند و اجزای فرهنگ یک کل را تشکیل می‌دهند. براساس نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی، در این پژوهش، حاصل مطالعه دیو و عقاید مرتبط با آن‌ها در افسانه‌های آذربایجان، شناخت فرهنگ مردم این اقلیم خواهد بود.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. خلاصه افسانه آلتین توپ

افسانه آلتین توپ داستان دیوزاده‌ای است که مادرش دیو زردی را از چاه آب بیرون می‌کشد و دیو او را به ازدواج مجبور می‌کند. بعد از مدت‌ها دیو زرد که از زندگی پنهانی در سوراخ خسته شده بود به دختر می‌گوید باید برادرش را بکشد که دیگر مخفیانه زندگی نکنند. دختر در غذای برادرش زهر می‌ریزد، اما آلتین توپ که حرف‌های مادرش و دیو زرد را شنیده بود از دای‌اش می‌خواهد که غذایش را به سگشان بدهد و وقتی سگ غذا را می‌خورد می‌میرد و دای‌ی که متوجه می‌شود غذا زهرآلود بوده خواهرش را می‌کشد. آلتین توپ تمام ماجرا را برای دای‌اش تعریف می‌کند و دای دیو زرد را از سوراخش بیرون می‌آورد و می‌کشد (بهرنگی و دهقانی، ۱۳۵۷، صص. ۶۱-۷۳).

۴-۱-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانه آلتین توپ

ویژگی بارز دیو در این افسانه، ظلم کردن، ضایع کردن و پایمال کردن حق دختری است که به زور با او ازدواج می‌کند. در جامعه آذربایجان ازدواج اجباری همواره و عدیده وجود داشته است. چنانچه پیش‌تر گفته شد یکی از نظرگاه‌های انسان‌شناسی فرهنگی، کارکردگرایی است. «عناصر گوناگون هر جامعه کارکردی برای خود دارند، زیرا نیازهای فرهنگی مردم آن جامعه را برآورده می‌سازند. مالدینوفسکی در این نظریه که کارکردگرایی نامیده می‌شود، سه نوع نیاز بنیادی را برای انسان تشخیص داد که عبارت‌اند از: نیازهای زیست‌شناختی مانند نیاز به خوراک و فعالیت جنسی، نیازهای وسیله‌ای مانند نیاز به آموزش و قوانین و نیازهای یکپارچگی مانند نیاز به یک

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

جهانبینی مشترک برای تسهیل ارتباطات. جامعه برای برآوردن این نیازها، نهادها یا الگوهای فعالیت تکرارشونده‌ای همچون دین، هنر، نظام خویشاوندی، قانون و زندگی خانوادگی را ساخته و پرداخته می‌کند. مالینوفسکی بر این عقیده بود که نهادهای یک جامعه نه تنها با نیازهایی که باید برآورده سازند بلکه با همدیگر نیز سازگاری دارند» (بی‌تس و پلاگ، ۱۳۹۲، ص. ۷۰). «نهاد به یک نظام روابط اجتماعی الگودار و سازمان‌یافته‌ای اطلاق می‌شود که در چهارچوب آن کارکردهای ضروری جامعه انجام می‌گیرند و نیازهای حیاتی فردی و گروهی برآورده می‌شوند» (کوئن، ۱۳۸۶، ص. ۴۲). کارکرد ازدواج اجباری در طول تاریخ آذربایجان به این صورت بوده که زنان را همچون کالا یا وسیله‌ای برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و رفع اختلاف قبایل پنداشته‌اند و آن‌ها را در یک شرایط ناخواسته، به ازدواج اجباری وادار کرده‌اند. به‌طور مشخص‌تر ازدواج اجباری پاسخی فرهنگی به نیازهای حفاظت از ثروت خانوادگی، فقر و نیاز به امنیت مالی و تقویت پیوندهای قومی - قبیله‌ای بوده است و به‌عنوان باورهای مرسوم و آداب و رسوم جز نیازهای وسیله‌ای به‌شمار می‌آید که به شکل نهاد خانواده تأمین شده‌اند. آنچه در ساختار داستانی افسانه اتفاق می‌افتد تسلیم شدن و مدارا و سازش دختر با زورگویی‌ها و مظلومه دیو است که حتی این پیروی و حرف‌شنوی در پایان منتهی به مرگ دختر می‌شود. این افسانه‌گویی نقلی از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مردمان آن روزگار است که از آن می‌توان به سرگذشت زن‌هایی دست یافت که بیشتر هستی ضعیفی بودند که تحت فشار، ازدواج کرده‌اند و می‌بایست فرمان‌بردار همسرانشان می‌بودند و از مرد به‌عنوان رئیس شکل خانواده، اطاعت می‌کردند. چنانچه مهدوی‌زاده عنوان می‌کند براساس نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی هر عاملی در یک تمدن و فرهنگ، کارکردی نسبت به کل وحدانی دارد. بدین معنی که طبایع و غرایز

انسانی باعث ایجاد یک سلسله رسوم و معتقدات و سازمان‌ها در جامعه می‌شود (مهدوی‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۶۴). در جوامع بسیاری از جمله آذربایجان نیز سلطه مرد و رفتار خودکامه و قلدرانه و اطاعت زن از او که فرهنگ مردسالاری است، مرسوم بوده و است. مردسالاری یک خصیصه فرهنگی بوده که نشان‌دهنده برتری جنس مرد در مناسبات اجتماعی بر زنان و جایگاه مسلط‌تر مردان در نظام فرهنگی یک جامعه است. «مردسالاری قالب اصلی خانواده و جوامع انسانی از ابتدا تا امروز بوده است» (فکوهی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۳). اهمیت و کارکرد مردسالاری در طول تاریخ چنین بوده که مردان به جهت عوامل زیستی و روان‌شناختی و قدرت بدنی افزون‌تر در تأمین امنیت و اقتصاد خانواده پیروزمندتر بوده‌اند و مردسالاری به عنوان یک عنصر فرهنگی باعث تأمین نیازهای اولیه غذا و سرپناه در قالب نهاد خانواده که اجزای سازنده جامعه هستند، بوده است. در عین حال توجه به این نکته که در این افسانه، مرد خانواده همانند دیوی ستمکار و آزارگر شرح و وصف می‌شود که مستبدانه دستور می‌دهد و انجام آن حتمی و ضروری است، می‌تواند نشانه بیزاری زنان از مردسالاری باشد، زیرا «گفتمان مردسالار، به دنبال القای تفکر فرادستی مردان و فرودستی زنان است» (معین، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۴).

۲-۴. خلاصه افسانه ملک محمد

ملک محمد شاهزاده‌ای است که به دنبال دیو دزد سیب‌های باغ پادشاه به خانه دیوها می‌رود. در هر حیاط، او شیشه عمر دو دیو را می‌شکند و آن‌ها را می‌کشد. در حیاط سوم، دیو دزد سیب‌ها را می‌یابد، اما دختری که اسیر دیو است ملک محمد را به سیب تبدیل می‌کند و از دیو می‌پرسد شیشه عمرش کجاست و دیو به حوض آب و شکم

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

مرغ سفید اشاره می‌کند. فردا، دختر با ملک‌محمد به حوض می‌روند، مرغ سفید را می‌کشند و شیشهٔ عمر دیو را می‌شکنند. در پایان، ملک‌محمد سه دختر اسیر دیو را نجات می‌دهد (بهرنگی و دهقانی، ۱۳۵۷، صص. ۱۱۳-۱۲۶).

۴-۲-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانهٔ ملک‌محمد

داشتن شجاعت، جنگاوری، قاطعیت و مبارزه از جمله ویژگی‌های فرهنگی مردم آذربایجان است. در این افسانه دیو نمادی از دزد و قانون‌شکنی است که ملک‌محمد با شجاعت و جنگاوری علیه او برمی‌خیزد و او را نابود می‌کند. مبارزات طولانی مردم آذربایجان با دشمنان داخلی و خارجی در طول تاریخ و روحیهٔ دلاوری و مبارز در مردم، همواره کارکرد داشته و جامعه جهت بقا و پیش‌روی از آن بهره می‌گرفته است که از آن می‌توان با عنوان فرهنگ رزم و حماسه نام برد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد مالدینوفسکی مطرح کرد که مهم‌ترین کارکرد فرهنگ تأمین نیازهای بشر است. فرهنگ هر جامعه‌ای برای تأمین نیازهای انسان است. با توجه به وقایع تاریخی، اگر نگاه متعالی به فرهنگ حماسه در آذربایجان نبود، آن ملت به شکست و نابودی محکوم می‌بود. «در نظریهٔ کارکردگرایی کارکرد اعضای جامعه در تأمین نیازهای جامعه در کانون توجه قرار می‌گیرد» (ترنر، ۱۳۸۲، ص. ۴۱). بر این اساس اعضای جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی با فرهنگ حماسه به شکل واحد به مبارزه پرداخته‌اند و فرهنگ رزم و حماسه برای رفع نیازهای یکپارچگی و داشتن جهان‌بینی مشترک و جهت‌گیری فکری و اتحاد و انسجام اجتماعی که برای مقابله با تهدیدات و پایداری جامعهٔ آذربایجان ضروری می‌بود، شکل گرفته است. فرهنگ رزم و حماسه در گذشت

زمان و همراه با تحول‌های اجتماعی، سیاسی و اعتقادی در این افسانه به صورت مجادله و درگیری بین دیو و ملک محمد حضور یافته است.

۳-۴. خلاصه افسانه جیددان

جیددان پسر بچه ریزه میزه‌ای است که وجه تسمیه نامش نیز از همین رو به معنی کوتوله و غیر قابل دیدن است. روزی جیددان و دوستانش برای پیدا کردن هیزم به جنگل می‌روند، اما در تاریکی شب مسیر را گم می‌کنند و به کلبه یک دیو می‌رسند. دیو منتظر می‌شود که بخوابند و آن‌ها را بخورد. ساعتی که می‌گذرد دیو می‌پرسد: کی خوابه، کی بیداره؟ و جیددان می‌گوید: همه خوابند جیددان بیداره، چون مادرم همیشه قبل از خواب جیب‌های من را پر از گندم بو داده می‌کند و از دیو می‌خواهد که برایش گندم بو داده درست کند. دیو موقع انجام دادن این کار دود آتش به چشم‌هایش می‌رود و در این فاصله جیددان دوستانش را بیدار می‌کند و از آنجا فرار می‌کنند (کوهی، ۱۳۹۲، صص. ۱۳۷-۱۳۸).

۳-۴-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانه جیددان

در افسانه جیددان، دیو به معنای شرارت است و قهرمان، پسر بچه‌ای است که عملکردش نشان از هوش و ذکاوت و جسارت دارد و از این طریق با دیو مقابله می‌کند. جیددان برخلاف دوستانش که به خواب رفته‌اند، با اندیشه و فکر، خود و دوستانش را از دست دیو می‌رهاند. از نظر مالینوفسکی «کارکرد نقش و سهم فعالیت در بقای کل است» (مالینوفسکی، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۲). در این افسانه هوش و فراست جیددان تبیین‌کننده رابطه انسان بیدار و باذکاوت با دیو شرور و بدکار است که عرضه مفهوم

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

هوشیاری به گاه رویارویی با دشمنان در فرهنگ آذربایجانی و ارج نهادن آگاهی و دانایی آدمی است، به‌طوری که غفلت از دشمن کمکی بزرگ به او در عملی کردن دشمنی‌اش خواهد بود. درواقع یکی از مهم‌ترین کارکردهای هوشیاری انسان در برابر دشمن اعتبار بخشیدن به آگاهی و بیداری در فرهنگ رزم و حماسه است که زمینه‌ساز پیروزی است و توضیح‌دهنده کارکرد آن در تأمین پیروزی و پایداری جامعه است. تاریخ آذربایجان پر از فراز و نشیب‌های فراوان طی دوره‌های مختلف بوده و مردمانش در معرض جنگ‌ها و تاخت و تازهای بسیار بوده‌اند. از همین رو زمینه ایجاد بن‌مایه مفهوم هوشیاری مقابل دشمن در فرهنگ رزم و حماسه این مردم فراهم آمده است و افسانه معروف و مشهور جیددان موجب تقویت این مهم در فرهنگ آذربایجان است.

۴-۴. خلاصه افسانه قیرمیزی آلما

قیرمیزی آلما به معنی سیب قرمز، افسانه‌ای است که در آن یک کبوتر، شاهزاده‌ای را در قالب سیب از ولایت دیو سیاه برای دختر شاه می‌آورد و سیب زبان باز می‌کند و به دختر می‌گوید که یک شاهزاده اسیر دیو سیاه است. دیو به دنبال سیب به قصر شاه می‌رسد و در لباس درویش، دختر را فریب می‌دهد و به قلعه خود می‌برد و از او می‌خواهد که زنش شود. دختر سرباز می‌زند و دیو او را زندانی می‌کند. دختر در زندان سیب را از جیبش در می‌آورد که سیب می‌افتد و دو تکه می‌شود و شاهزاده از داخلش بیرون می‌آید و درها را و شیشه دیو سیاه را می‌شکند و او را می‌کشد و همراه دختر به قصر برمی‌گردند و با هم ازدواج می‌کنند (کوهی، ۱۳۹۲، صص. ۶۲-۶۶).

۴-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانه قیرمیزی آما

شاید بتوان گفت بااهمیت‌ترین بخش این افسانه تبدیل دیو به درویش برای فریب انسان است. مطابق نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی فرهنگ یک شبکه گسترده و پیچیده است که در بستر آن می‌توان نیازهای انسان و رفتارهای او را تحلیل و پیش‌بینی کرد (مالینوفسکی، ۱۳۹۵، ص. ۶۳). مضمون فریب‌کاری و پنهان کردن شرارت به شکل شخصیت درویش خیرخواه می‌تواند اشاره‌ای به همان فرهنگ هوشیاری در برابر حریف و دشمن و بیانگر این باشد که اگر با هوشیاری نتوان درست و خطا را بازشناخت باعث فریب خوردن در برهه‌های حساس خواهد شد و رونق دادن و رایج کردن این محتوا در قالب افسانه نیاز جامعه آذربایجان بوده که همواره درگیر بحران‌های جنگ‌ها در طول تاریخ بوده است. از طرفی می‌توان این مضمون را به زندگی فردی و اجتماعی مردم آذربایجان ربط داد و تفهیم محتوای ظاهر و باطن انسان‌ها یکی نیست و انسان می‌تواند با ظاهری معتبر و پسندیده و مطلوب نمایان شود و در فریب دادن فایده‌آید را نکته تعلیمی و تربیتی در نظر گرفت که آموزش و انتقال آن از طریق افسانه‌گویی از موثرترین روش‌ها بوده است.

۴-۵. خلاصه افسانه هفت جفت کفش آهنی، هفت تا عصای آهنی

در این افسانه، پادشاه از سه دخترش می‌خواهد که سیبی به سمت مقابل پرتاب کنند و هرکسی سیب را بگیرد با او ازدواج کند. دو دختر بزرگ سیب را می‌گیرند و با پسران وزیر و وکیل ازدواج می‌کنند، اما سیب دختر کوچک در سوراخ ماری می‌افتد و او به اجبار زن مار می‌شود. شب زفاف، مار به جوانی زیبا تبدیل می‌شود و دختر عاشق او می‌شود و پوست مار را می‌سوزاند تا دیگر تبدیل به مار نشود، اما شوهرش او را ترک

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

می‌کند و می‌گوید باید هفت جفت کفش آهنی بپوشد و هفت عصای آهنی بردارد تا او را پیدا کند. دختر پس از مدت‌ها شوهرش را پیدا می‌کند، اما شوهر به او هشدار می‌دهد که اگر مادر دیوش او را ببیند، او را خواهد خورد. ننه دیو از دختر کارهای سخت می‌خواهد و در نهایت او را نزد خواهرش می‌فرستد تا دختر را بخورد. دختر از این حيله جان سالم به در نمی‌آورد و می‌میرد (بهرنگی و دهقانی، ۱۳۵۷، صص. ۱۵۵-۱۶۶).

۴-۵-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانه هفت جفت کفش آهنی،

هفت تا عصای آهنی

باور به قسمت و تقدیر جایگاه ویژه‌ای در بین مردم آذربایجان دارد. در نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی «تمام خصوصیات فرهنگی برای بر آوردن احتیاجات افراد در جامعه به‌وجود آمده‌اند؛ یعنی کارکرد یک خصوصیت فرهنگی، در قدرت آن برای برطرف کردن برخی از نیازهای اولیه اعضای گروه خلاصه می‌شود» (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷، صص. ۲۶۰-۲۶۱). انسان هر زمان که حادثه‌ای برایش رخ داده و دلیل و علتی برای آن پیدا نمی‌کرده سریع به سراغ آسان‌ترین راه یعنی نسبت دادن آن اتفاق به قسمت و تقدیر الهی رفته است. تقدیر مفهومی رمزآلود است که وجود آدمی را به لامکانی لایتناهی وصل می‌کند تا بار مسئولیت را از دوش او بردارد و او را سبکبار سازد. درواقع فرهنگ تقدیرگرایی چنین کارکردی دارد که انسانی که با خاطری آسوده تسلیم سرنوشت می‌شود کم‌تر به اضطراب، تشویش، شک و تردید مبتلا می‌شود و یکی از نیازهای بااهمیتش که امنیت روانی است تأمین می‌شود. نتیجه منطقی این دیدگاه این است که هر شیء، هر عمل، هر باور و هر نهاد علت وجودی‌شان ایفای یک وظیفه و کارکرد حیاتی است و کارکرد همیشه معنایش ارضای یک نیاز است، خواه عمل ساده

غذا خوردن باشد، خواه برگزاری مناسک دینی و هر جامعه نیز به شیوه خاص خودش نیازهای فرهنگی‌اش را سازمان می‌دهد. در این افسانه نیز دختر که ازدواج با مار را سرنوشت خود تلقی می‌کند به صورت تسلیم و بدون هیچ احساس بدی آن را می‌پذیرد و انجام می‌دهد، اما زمانی که می‌خواهد این سرنوشت را تغییر دهد و پوست مار را می‌سوزاند و کوشش برای تغییر وضعیت می‌کند هم شوهرش را از دست می‌دهد هم ستم‌هایی را از جانب دیوی که مادرشوهرش است می‌بیند که تداوم این شرایط جانکاه و طاقت‌فرسا جانش را می‌گیرد. نقش دیو در این افسانه به‌عنوان نیرویی قاهر و چیره بر انسانی است که در پی مخالفت و محاربه با سرنوشتش است و مضمون روبه‌رو شدن با سرنوشت از پیش تعیین شده و ناتوانی در برابر تقدیر در این افسانه با توجه به اینکه «باورها و ارزش‌های هر جامعه یک واقعیت فرهنگی است» (کوئن، ۱۳۸۶، ص. ۴۹)، نشان‌دهنده فرهنگ تقدیرگرایی و روح قالب فکر و کنش مردمان آذربایجان است.

۴-۶. خلاصه افسانه انارخاتون

انارخاتون دختری است که مادرش عاشق دیوی است که آن را در اتاقی قایم می‌کند و یک روز انارخاتون قفل اتاق را باز می‌کند و دیو را می‌بیند و دیو هم انارخاتون را می‌بیند و عاشقش می‌شود و مادر انارخاتون را پس می‌زند. مادر انارخاتون او را از خانه بیرون می‌کند و انارخاتون می‌رود و خواهر هفت برادران می‌شود. زن که می‌بیند دیو همچنان درمورد انارخاتون پرس‌وجو و پیگیری می‌کند با سقزِ زهری انارخاتون را می‌کشد، اما هفت برادران و پادشاه، او را با انداختن در آب حوض علاج و زنده می‌کنند و انارخاتون زن پادشاه می‌شود و دو پسر به دنیا می‌آورد، ولی دیو از این ماجرا نیز باخبر می‌شود و همچنان از عشقش به انارخاتون دم می‌زند و مادر انارخاتون این بار

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

برای راحت شدن از دست انارخاتون به قصر پادشاه می‌رود و دو پسر انارخاتون را می‌کشد و به همه می‌گوید انارخاتون خود پسرهایش را کشته اما پادشاه به دسیسه او پی می‌برد و دستور می‌دهد مادر انارخاتون و دیو را بکشند (بهرنگی و دهقانی، ۱۳۵۷، صص. ۲۰۵-۲۱۲).

۴-۶-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانه انارخاتون

در جامعه آذربایجان همواره تأکیدهای فرهنگی بسیاری روی عشق وجود دارد و عشق در تناسب با عناصر فرهنگی جامعه متولد می‌شود و راه‌های متنوعی برای رشد و ابراز وجود می‌یابد. مثلاً اینکه در فرهنگ گذشته آذربایجان عشق چندان با رابطه جنسی تعریف نمی‌شود و بیشتر بر خاص‌بودگی و یگانگی معشوق در چشم عاشق دلالت دارد. بیتس و پلاگ می‌نویسند در نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی بین دو مفهوم اساسی نیازها و نهادها رابطه‌ای به وجود می‌آید که با توجه به گوناگونی جوامع بشری، هر جامعه‌ای براساس نیازهای بنیادی خود و از طریق هنجارهای رفتاری و نهادی نیازش را بر طرف می‌سازد (بیتس و پلاگ، ۱۳۹۲، ص. ۷۲). با تکیه بر این نظرگاه می‌توان عشق پایدار و وفادار بدون تمنای جنسی در این افسانه را که از جانب یک دیو به یک انسان است با کارکرد فراهم کردن نیاز سلامت جنسی اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج در روابط جنسی و مهار آن و الزام ارضا میل جنسی در نهاد خانواده دانست که به این صورت در افسانه انارخاتون بازسازی می‌شود و بیانگر عشق پاک بدون خواست جنسی و نگرش مردم آذربایجان نسبت به عشق و برداشت آن‌ها از این مفهوم است. چنانچه «درمورد کردار شایسته جنسی نیز میان فرهنگ‌های مختلف برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. به نظر ما روابط جنسی شایسته محدود است به روابط یک زوج تک‌همسر»

(همان، ص. ۴۹۷). به بیانی کارکرد عشق پاک و کنترل تمایلات جنسی خارج از نهاد خانواده در مجموع سبب استحکام ساختار اجتماعی است. «هنجارها با کاستن کشمکش در روابط اجتماعی، کارکرد مهم تثبیت و ابقای ساختار اجتماعی را انجام می‌دهند» (همان، ص. ۷۲).

۴-۷. خلاصه افسانه دیو پخمه

در افسانه دیو پخمه، پسری تنبل از خانه بیرون رانده می‌شود تا کار کند. او در سفر خود به خانه دیوی می‌رسد و غذای دیو را می‌خورد. دیو و پسر در رجزخوانی‌هایی مثل جست‌وجوی شپش، خرد کردن سنگ و اندازه‌گیری موها، قدرت خود را می‌سنجند و پسر با ترفندهایی دیو را می‌ترساند و در آخر با فریب دادن دیو، خانه و زندگی‌اش را به دست می‌آورد (بهرنگی و دهقانی، ۱۳۵۷، صص. ۱۴۹-۱۵۲).

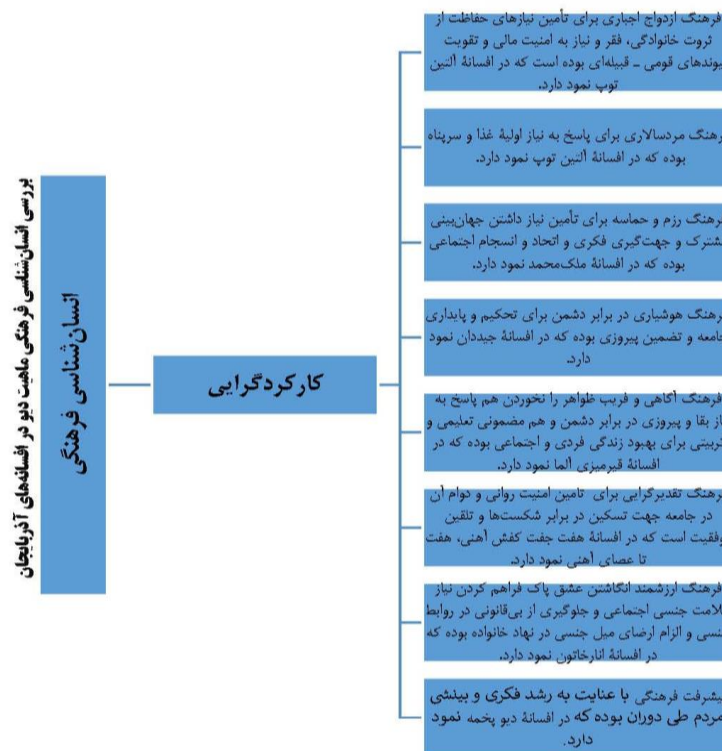
۴-۷-۱. تحلیل انسان‌شناسی فرهنگی هویت دیو در افسانه دیو پخمه

در این افسانه تبدیل دیو از موجودی قدرتمند و زیان‌کار و هراس‌انگیز به موجودی زودباور و ضعیف‌العقل که انسان به راحتی فریبش می‌دهد بیان‌کننده دگرگونی باورها و اندیشه مردم است. «روش مالینوفسکی تحلیل هم‌زمان به این معنی است که محقق در تحلیل خود یک برش هم‌زمان را دارد، در حالی که در روش تاریخی برای تحلیل پدیده‌ها بر گذشته و بر روابط علی ناشی از آن بر وضعیت موجود و چگونگی روابط تأکید می‌شود و نبود دید تاریخی در تحلیل مالینوفسکی یکی از مهم‌ترین انتقاداتی است که به روش او وارد آمده است» (فکوهی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۰).

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

استدلال تغییر جایگاه دیو به موجودی ساده‌لوح و نادان چنین است که جامعهٔ آذربایجان در طول هزاران سال تاریخ همواره بر این باور بوده که دیو قدرت بیش از حد معمول انسانی دارد که برای توضیح مسائلی بوده که از عهدهٔ عقل بشری خارج بوده است، اما به مرور و با پیشرفت جامعه و استفاده از عقل و دانش بشری، انسان خود را خردمند و آگاه و قوی دریافته و در تجسم موجودی قدرتمندتر از خود تحت عنوان دیو خلل ایجاد کرده است. چنانچه برای توصیف دیو از ترکیب از ما بهتران استفاده می‌شده که بیانگر بهتر و برتر پنداشتن دیو از انسان بوده است یا «چنانچه در شاهنامه آمده دیوان مردمانی هستند که برای آزادی از اسارت طهمورث به وی هنر نوشتن یاد می‌دهند و خیلی جالب است که این دیوان چگونه مردمانی بودند که اندیشه و دانش آنان خیلی برتر و پیشرفته‌تر از دم و دستگاه پادشاهان کیانی بوده است» (کوهی، ۱۴۰۱، ص. ۹۷). در این افسانه روند تبدیل دیو از موجودی قدرتمندتر و آزاررسان به ساده‌لوح و مغلوب که بدون بررسی کامل علل و عوامل رخدادها و بدون ژرف‌نگری نسبت به واکاوی واقعیت‌ها، به شناختی ناقص و فریبنده و ناتمام، قانع می‌شود و این مطلب در محتوا و نمود دارای مشخصه‌های فرهنگی است، نشان‌دهندهٔ افزایش سطح فکری و توسعه‌یافتگی فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های انسانی در میان مردمان آذربایجان است. از طرفی «وارد کردن عنصر زمان (یعنی تغییر) به درون فرهنگ و نهاد نیز الزم است، زیرا زمان باعث روند پیشرفت و بقای یک فرهنگ می‌شود و ممکن است همین زمان، عامل نابودی و انحطاط فرهنگ شود» (جاودسخن و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۱)، با عنایت به این بحث با گذشت زمان حضور دیو در افسانه‌های آذربایجان از میان نرفته و منقرض نشده است و برخلاف آن تدریجاً به پیشرفت انجامیده و متأثر از اندیشه و نگرش مردم جامعه، ماهیت دیو در افسانه‌ها تفاوت پیدا

کرده و از موجودی پر قدرت به موجودی که مغلوب ذکاوت انسان می شود، تبدیل شده و این خودباوری با ابزار افسانه گویی در جامعه رونق یافته و به نسل های بعدی منتقل شده است.



شکل ۱: بررسی انسان شناسی فرهنگی ماهیت دیو در افسانه های آذربایجان

Picture 1: A Cultural Anthropological Analysis of the Nature of the Demon in Azerbaijani Folktales

۵. نتیجه

دگرگونی و گوناگونی های سیاسی، اجتماعی، دینی در طول تاریخ در شکل گیری فرهنگ آذربایجان تأثیرات بی واسطه ای داشته و از طرفی افسانه های این منطقه بستری

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

مناسب برای نمود خصیصه‌های فرهنگی‌شان بوده است. در این پژوهش با بررسی و تحلیل انسان‌شناسی شخصیت دیو در افسانه‌های آذربایجان به یک‌سری از خصوصیات فرهنگی مردم این منطقه رسیده شد. از جمله فرهنگ ازدواج اجباری، فرهنگ مردسالاری، فرهنگ رزم و حماسه و هوشیاری در برابر دشمن و پیشگیری از فریب خوردن، فرهنگ تقدیرگرایی، فرهنگ ارزشمندی عشق پاک و نیز توسعه‌یافتگی فرهنگی با رشد فکری و بینشی مردم طی زمان که در شکل‌گیری شخصیت دیو در افسانه‌هایشان تأثیرگذار بوده است. ازدواج اجباری پدیده‌ای فرهنگی است که از منظر کارکردگرایی برای تأمین خواست‌ها و اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده و از دیدگاه کل‌گرایی، فرهنگ مردسالاری به سبب طبیعت قدرتمندتر مرد نسبت به زن برای پاسخ به نیاز اولیه غذا و سرپناه صورت گرفته که در نهاد خانواده تأمین می‌شده است و در قالب ازدواج زوری مادر آلتین‌توپ با یک دیو و تمکین بی‌چون و چرا از او ظهور یافته است. همچنین فرهنگ رزم و حماسه برای تقویت روحیه جنگاوری و مبارزه در مردم براساس مهم‌ترین کارکرد فرهنگ یعنی رفع نیاز در جامعه اکثراً ملتهب آذربایجان فراهم‌کننده نیاز داشتن جهان‌بینی مشترک و جهت‌گیری فکری و اتحاد و انسجام اجتماعی بوده که در افسانه ملک‌محمد به نحو مبارزه با دیو بدکار و بدخواه بروز یافته است. فرهنگ هوشیاری در برابر دشمن مضمونی است که از نظرگاه کارکردی برای بقای کل و سبب پیروزی و پایداری جامعه است که در افسانه جیددان به شکل هوشیاری یک پسر بچه در برابر یک دیو که منتج به پیروزی اوست، حضور دارد. همچنین آگاه بودن و فریب ظواهر را نخوردن فرهنگی است که براساس نظریه کارکردگرایی که عنوان می‌کند فرهنگ شبکه‌ای پیچیده است که با آن می‌شود نیازهای انسان را بررسی کرد؛ می‌توان این فرهنگ را هم برای پاسخ به نیاز بقا و پیروزی در

برابر دشمن و هم مضمونی تعلیمی و تربیتی برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی مردم آذربایجان دانست که در افسانه قیرمیزی آلما به صورت فریبکاری دیو با تبدیل شدن به یک درویش و فریب شاهزاده مطرح می‌شود. فرهنگ تقدیرگرایی که در افسانه هفت جفت کفش آهنی، هفت تا عصای آهنی بسیار برجسته است با تکیه بر دیدگاه‌های کارکردگرایی چنین تعبیر می‌شود که برای برطرف کردن اضطراب‌ها و نگرانی‌های مردم و تأمین امنیت روانی‌شان شکل گرفته و نیز دوام آن در جامعه جهت تسکین در برابر شکست‌ها و ناکامی‌ها و تلقین موفقیت است. در این افسانه شرایطی شاق و سخت از جانب یک دیو برای دختری که می‌خواهد در برابر تقدیرش بایستد تحمیل می‌شود که سرانجام به مرگ دختر می‌انجامد. این چنین محتوایی صحنه‌گذاری بر فرهنگ تقدیرگرایی است که همچنان میان مردم آذربایجان رواج دارد. در افسانه انارخاتون عشق پرشور و مداوم یک دیو به یک دختر که در روایت آن از خواست و تمنای جنسی حرفی زده نمی‌شود فرهنگ بها دادن به عشق پاک را به ذهن متبادر می‌سازد که از نظرگاه کارکردگرایی با توجه به گوناگونی جوامع بشری که هر جامعه‌ای براساس نیازهای بنیادی خود و از طریق هنجارهای رفتاری و نهادی نیازش را بر طرف می‌سازد؛ ارزشمند انگاشتن عشق پاک در جامعه آذربایجان می‌تواند سبب فراهم کردن نیاز سلامت جنسی اجتماعی و جلوگیری از آشفتگی و بی‌قانونی در روابط جنسی و الزام ارضای میل جنسی در نهاد خانواده باشد. آنچه در افسانه دیو پخمه اتفاق می‌افتد تغییر جایگاه دیو از موجودی پلید به موجودی پخمه و احمق است که انسانی او را به راحتی فریب می‌دهد. این تغییر و تحول را می‌توان با روش تاریخی در تحلیل پدیده‌ها از دیدگاه‌های کارکردگرایی که اظهار می‌کند پیش‌روی و توسعه فرهنگی به جهت دگرگونی و تغییرات اجتماعی است و زمان می‌تواند به پیشرفت یا نابودی یک فرهنگ

بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری... _____ زهرا حسینی اعظم و همکار

منجر شود، چنین شرح داد که انسان تدریجاً با گذشت زمان رشد فکری داشته و تسلط بیشتری بر امور پیدا کرده و در ایجاد ماهیت موجودی قدرتمندتر از خود خلل ایجاد کرده است. در نهایت می‌توان گفت ماهیت دیو در افسانه‌های آذربایجان متأثر از برخی وجوه فرهنگی مردمان این اقلیم و بیانگر جایگاه و اهمیت این فرهنگ‌ها نزدشان است و دربرگیرنده معنا و مفهوم ارزش‌ها، آگاهی‌ها و اسلوب و روال زندگی‌شان است.

منابع

ابراهیمی، م. (۱۳۹۲). بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی است. فرهنگ و ادبیات عامه، ۱(۱)، ۵۳-۸۲.

بهرنگی، صمد، و دهقانی، بهروز (۱۳۵۷). افسانه‌های آذربایجان. تهران: نیل.

بیتس، د. و پلاگ، ف. (۱۳۹۲). انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه م. ثلاثی. تهران: علمی.

ترنر، ج. (۱۳۸۲). ساخت نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه ع. لهسایی‌زاد. شیراز: نوید.

جاودسخن، ت.، دادور، ا.، و عرب، ز. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل هنر ابورجینال‌های استرالیایی

با رویکرد نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی. هنرهای کاربردی، ۲، ۵-۱۹.

ریویر، ک. (۱۳۷۹). درآمدی بر انسان‌شناسی. ترجمه ن. فکوهی. تهران: نشر نی.

سلیمی‌پور، ب. (۱۳۹۵). بررسی سیر تحول نقش دیو در فرهنگ ایران باستان و هنر نگارگری

ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم

انسانی.

صابونچی، م. (۱۴۰۱). رساله صد دیو. تهران: کارین.

فکوهی، ن. (۱۳۹۱). مبانی انسان‌شناسی. تهران: نی.

فکوهی، ن. (۱۳۹۵). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نشر نی.

مارزلف، ا. (۱۳۷۶). طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی. ترجمه ک. جهان‌داری. تهران: سروش.

مالینوفسکی، ب. (۱۳۹۵). *نظریه علمی فرهنگ*. ترجمه م. فرهنگد. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

معین، م. (۱۳۸۷). *فرهنگ معین*. تهران: دبیر.

مهدوی‌زاده، ا. (۱۳۹۵). *تحلیل و بررسی مردم‌شناختی آیین‌های گذار (تولد، ازدواج، طلاق، مرگ): مورد مطالعه (روستای النگ از توابع شهرستان کردکوی استان گلستان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مردم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی.

قرائی‌مقدم، ا. (۱۳۸۲). *انسان‌شناسی فرهنگی (مردم‌شناسی فرهنگی)*. تهران: ابجد.

کوئن، ب. (۱۳۸۶). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه م. ثلاثی. تهران: توتیا.

کوهی، ج. (۱۳۹۲). *افسانه‌های دیار حیدربابا*. تبریز: اختر.

کوهی، ج. (۱۴۰۱). *نمادهای اساطیری افسانه‌های ایرانی*. تبریز: اختر.

گرچی، م. و پورکلهر، ا. (۱۳۹۲). *نگاهی انسان‌شناسی به زبان و فرهنگ عامه*. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳۰(۱)، ۱۷۷-۱۹۷.

گولد، ج. و کولب، و. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. تهران: مازیار.

References

- Bates, D., & Plug, F. (2013). *Cultural anthropology* (translated by M. Trialli). Elmi Publications.
- Behrangi, S., & Dehghani, B. (1987). *The Legends of Azerbaijan*. the Nile.
- Coen, B. (2007). *The income to sociology* (translated into Farsi by M. Trialli). Tutya.
- Ebrahimi, M. (2013). The study of the evolution of the concept of Dev in social history and oral literature. *Journal of Culture and Popular Literature*, 1(1), 53-82.
- Fakuhi, N. (2012). *The foundations of Anthropology*. Nei.
- Fakuhi, N. (2016). *The history of anthropological thought and theories*. Nei.
- Garaimoghadam, A. (2003). *Cultural anthropology (cultural anthropology)*. Abjad, 14-13.
- Guld, J., & Kulb, W. (1997). *Culture of social sciences*. Maziār.

- Gurgi, M., & Purkalhur, O. (2013). An anthropological look at popular language and culture. *Chronology of Cultural Studies and Communication*, 30(1), 177-197.
- Javodsokhan, T., Dadvar, A., & Arab, Z. (2022). Analysis of the art of Australian aboriginals with Malinovsky's functionalist theory approach. *The Journal of Applied Arts*, 2, 19-5.
- Kuhi, J. (2013). *The Legends of Diyar Haiderbaba*. Akhtar.
- Kuhi, J. (2022). *Mythological symbols of Iranian myths*. Akhtar.
- Mahdavizadeh, O. (2016). *Anthropological analysis of the transitional rites (birth, marriage, divorce, death): studied (the village of Elang from the functions of the kurdkovi District of Gulistan province)*. Master's thesis in anthropology. Free Islamic University.
- Malinovsky B. (2016). *The scientific theory of culture* (translated by M. Farhamed). Office of Cultural Research.
- Marzelev, A. (1997). *The classification of Iranian stories* (translated by K. Jahandari). Surush.
- Mo'in, M. (2008). *The culture of the Mo'in*. Dabir.
- Riviere, K. (2000). *The income on anthropology* (translated by N. Fakhui). NI.
- Sabunchi, M. (2022). *The book of the hundred devs*. Carbon publishing.
- Salimpur, B. (2016). *Examination of the evolution of the role of the devil in ancient Iranian culture and Iranian calligraphy*. Master's thesis. University of Sistan and Balochistan Faculty of literature and humanities.
- Turner, J. (2003). *The construction of sociological theory* (translated by A. lhasaizad). Navid.